

*Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 22, No. 5, Summer 2022, 1-28  
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.36333.2238

**Rewriting the Quranic Approach to the Rationality  
Assumption in Economic Behaviorology**  
**A Critique on the Book**  
***Economic Behaviorology According to Holy Quran***

**Mohammad Javad Tavakoli\***

**Abstract**

The book *Economic Behaviorology According to Holy Quran* is honorable for referring to an important issue on the borders of Economics and for having a Quranic approach. Using the analytical method, the current paper analyses the performance of this book in promoting the borders of discussions on economic Behaviorology. According to the findings of the paper, the book suffers from three main problems namely return between systematic analysis and Behaviorology, making a vague conflict between materialist and innatist Human and Behaviorology in the framework of the perfect rationality approach. Therefore, it could not access its goals. The main problem is the lack of attention to the boundaries of human rationality which is an important issue in Behavioral Economics. Contrary to the findings of the book, there has been attention to cognitive, motivational, and intentional boundaries of rationality in Quranic economic Behaviorology. Therefore, Allah almighty mentioned some solutions.

**Keywords:** Economic Behaviorology, *Holy Quran*, Bounded Rationality, Economic Man, Islamic Economics.

\* Associate Professor in Economy, Faculty Member of Imam Khomeini Education and Research Institute (RA), Qom, Iran, Tavakoli@iki.ac.ir

Date received: 12-03-2022, Date of acceptance: 25-06-2022





## بازخوانی نگرش قرآن به فرض انتخاب عقلایی

### در رفتارشناسی اقتصادی؛

نقدی بر کتاب رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم؛

انسان مادی‌گرا و انسان فطرت‌گرا

محمدجواد توکلی\*

#### چکیده

کتاب رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم؛ انسان مادی‌گرا و انسان فطرت‌گرا به‌واسطه پرداختن به موضوعی اساسی در مرزهای دانش اقتصاد و داشتن رویکرد قرآنی درخور تحسین است. در این مقاله، با استفاده از روش تحلیلی، به بررسی این سؤال پرداخته می‌شود که اثر مزبور تا چه حد توانسته است به پیش‌برد مباحث رفتارشناسی اقتصادی کمک کند. بنابه یافته‌های تحقیق، این اثر به‌واسطه سه مشکل اساسی نوسان بین تحلیل سیستمی و رفتارشناسی، ایجاد تقابل نامشخص بین انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا، و رفتارشناسی در چهارچوب دیدگاه عقلانیت کامل نتوانسته است به اهداف خود دست یابد. مشکل اصلی بی‌توجهی به محدودیت‌های عقلانیت بشر هنگام انتخاب است؛ مشکلی که در اقتصاد رفتاری به‌عنوان مرز دانش رفتارشناسی در اقتصاد معاصر موردتوجه قرار گرفته است. نتیجه مقاله بر این است که، باوجود برداشت ارائه‌شده در کتاب مزبور، در رفتارشناسی اقتصادی قرآن کریم به محدودیت شناختی، انگیزشی، و ارادی بشر در انتخاب عقلایی توجه شده است. در همین جهت، خداوند متعال برای مواجهه با محدودیت‌های

\* دانشیار اقتصاد، عضو هیئت‌علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران،

Tavakoli@iki.ac.ir، شناسه <https://orcid.org/0000-0002-8184-8163>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴



عقلانیت از راه‌بردهایی هم‌چون تذکر و تلنگر اجتماعی، تقویت ابعاد شناختی بشر، تغییر حساب‌داری ذهنی، و تعهدسازی درونی سخن می‌گوید.

**کلیدواژه‌ها:** رفتارشناسی اقتصادی، قرآن کریم، عقلانیت محدود، انسان اقتصادی، اقتصاد اسلامی.

## ۱. مقدمه

در ادبیات اقتصادی، رفتارشناسی اقتصادی هم هدف مطالعه اقتصادی و هم پیش‌فرض آن است. از یک سو، محققان اقتصادی سعی می‌کنند تا با ارائه نظریات مختلفی هم‌چون نظریه رفتار مصرف‌کننده و تولیدکننده به تبیین و پیش‌بینی رفتار اقتصادی بپردازند. از سوی دیگر، رفتارشناسی اقتصادی در قالب فرض عقلانیت اقتصادی به‌عنوان یکی از فروض هستی‌شناختی نظریه‌های اقتصادی ظاهر می‌شود. اقتصاددانان تلقی خاصی از انسان و رفتار اقتصادی او دارند، تاجایی که هویت انسان اقتصادی را برای افراد مورد مطالعه خود برمی‌گزینند.

کتاب *رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم*، نوشته علی اصغر هادوی‌نیا، اثری است که به دنبال استفاده از یافته‌های انسان‌شناسی قرآنی برای بهبود درک اقتصاددانان از قانون‌مندی‌های رفتار اقتصادی است. این کتاب ۳۹۲ صفحه‌ای رفتارشناسی اقتصادی خود را بر پایه ایجاد تقابل بین دو نوع انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا قرار می‌دهد. برای ارزیابی این اثر، چند سؤال مطرح است: اول، این اثر تا چه میزان توانسته است با مطالعات رفتارشناسی اقتصادی معاصر به‌خصوص مطالعات اقتصاد رفتاری پیوند برقرار کند؟ دوم، نویسنده کتاب تا چه میزان بر عهد خود، مبنی بر پرداختن به مباحث رفتارشناسی اقتصادی، وفادار مانده است؟ سوم، مطالعه مزبور چه دستاوردهایی برای دانش اقتصاد دارد؟

در این نوشتار، برای پاسخ به سؤال‌های بالا، ابتدا به بررسی چستی رفتارشناسی اقتصادی پرداخته می‌شود. در ادامه، ایده اصلی مطرح‌شده در کتاب تبیین می‌شود. مباحث بعدی مقاله به ارزیابی شکلی و محتوایی این اثر اختصاص دارد. در این زمینه، ابتدا به بررسی روش‌شناسی کتاب پرداخته می‌شود. در ادامه، ارزیابی محتوایی کتاب با تمرکز بر سه مشکل نوسان بین تحلیل سیستمی و رفتارشناسی اقتصادی، تقابل نامشخص انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا، و رفتارشناسی اسیر در چهارچوب عقلانیت کامل صورت می‌گیرد. در ادامه،

بازخوانی نگرش قرآن به فرض انتخاب عقلایی ... (محمدجواد توکلی) ۵

تلاش می‌شود تا، ضمن بیان قرائتی بدیل از رفتارشناسی اقتصادی در قرآن کریم، دستاوردهای کتاب به‌طور کلی ارزیابی شود.

## ۲. چستی رفتارشناسی اقتصادی

رفتارشناسی اقتصادی از دیرباز مورد توجه اقتصاددانان بوده است. دانش اقتصاد اساساً دانشی رفتاری است که به بررسی رفتارهای کنش‌گران اقتصادی، از جمله رفتارهای تولیدی و مصرفی، می‌پردازد. در اقتصاد خرد و کلان با نظریه‌های رفتار مصرف‌کننده، تولیدکننده، و مانند آن مواجهیم، اما جلوه جدید مباحث رفتارشناسی اقتصادی در دوران کنونی در قالب مباحث اقتصاد رفتاری (behavioral economics) و اقتصاد شناختی (cognitive economics) ظهور و بروز کرده است (Bourguine and Nada 2004).

گسترش مباحث اقتصاد رفتاری و شناختی، به‌طور عمده، مدیون مطالعات بین‌رشته‌ای و پیوند مطالعات اقتصادی با مطالعات روان‌شناختی و عصب‌شناختی است. در این بررسی، به محدودیت‌های شناختی افراد در تعامل با دیگران و طبیعت توجه خاص شده است. در آثار پیش‌قراولانی هم‌چون هربرت سایمون و فردریش فون هایک از دو رویکرد متفاوت برای ایجاد این پیوند استفاده شده است. نخستین راه از طریق به‌عاریت گرفتن نتایج علوم شناختی است؛ نتایجی که مربوط به سطح بالای شناخت نمادین (symbolic cognition) است. این همان کاری است که سایمون با طرح عقلانیت محدود انجام داد؛ امری که گسترش محدوده‌های رفتار عقلانی را ممکن ساخت. سایمون، از طریق گردن‌نهادن عقلانیت به کمبود منابع شناختی، استفاده از آن را بهینه کرد. دومین راه شامل تمرکز بر علوم مبتنی بر شبکه عصبی و فرایندهای یادگیری است. هایک نه‌تنها علوم عصبی را مطالعه کرد، بلکه تأثیراتی هم در آن گذاشت. با گذر زمان مطالعات شناختی و عصب‌شناسی به‌شکلی ترکیبی در ادبیات اقتصادی وارد شده است (Bourguine 2004: 11-12).

## ۳. رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم؛ تحلیل شکلی

کتاب رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم؛ انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا، نوشته علی اصغر هادوی‌نیا، در ۳۹۲ صفحه است و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه آن را در سال

۱۳۹۶ با شمارگان سی صد جلد منتشر کرده است. این کتاب به موضوعی اساسی در مرزهای دانش اقتصاد پرداخته است.

کتاب مدنظر چهار بخش دارد: ۱. مفاهیم و روابط، ۲. تحلیل برخی رفتار اقتصادی انسان مادی‌گرا از دیدگاه قرآن کریم، ۳. تحلیل برخی رفتار اقتصادی انسان فطرت‌گرا از دیدگاه قرآن کریم، ۴. مقایسه انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا. بخش‌بندی صورت‌گرفته بر محور تفکیک انسان مادی‌گرا و فطرت‌گراست، به گونه‌ای که در دو بخش رفتار اقتصادی انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا بررسی شده و بخشی نیز به مقایسه رفتار اقتصادی این دو نوع انسان اختصاص یافته است.

از جهت فنی، طرح جلد کتاب جذاب و ناظر به موضوع آن است. در تصویر جلد دو انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا در تقابل با یکدیگر ترسیم شده‌اند که دقیقاً محتوای کتاب را برمی‌تابد. قطع کتاب و صفحه‌آرایی کتاب مناسب است. در کتاب، اصول علمی ارجاع‌دهی در درون متن و کتاب‌نامه نیز رعایت شده است.

#### ۴. ابهام در روش‌شناسی رفتارشناسی اقتصادی؛ تحلیل روشی

از نگاه نویسنده کتاب، اقتصاد رفتاری از روش تجربی و هم‌چنین از شبیه‌سازی رایانه‌ای و تصاویر مغز برای رفتارشناسی اقتصادی استفاده می‌کند (هادوی‌نیا ۱۳۹۶: ۱۴). وی در ادامه به ظرفیت شناخت و حیانی در انسان‌شناسی اقتصادی اشاره می‌کند:

دست‌رسی به عینیت از طریق شناخت و حیانی بدین معناست که شهود خالق هستی نسبت به جهان عینی از طریق وحی و رسالت به انسان انتقال یابد. در واقع، انسان از طریق آگاهی به الفاظ قرآنی به حقایق هستی پی ببرد...

برخی از گزاره‌های وحی مربوط به شناسایی رفتارهای انسان است؛ بنابراین، همان‌گونه که تجربه حسی می‌تواند رفتار انسانی را موردشناسایی قرار دهد، در شناخت و حیانی، همین واقعیت از طریق تجربه و حیانی شناسایی شده و سپس از طریق الفاظ قرآنی معرفی شده است (همان: ۱۵-۱۶).

نویسنده تجربه و حیانی را روش‌شناسی حاکم بر رفتارشناسی قرآنی تلقی می‌کند و آن را درمقابل روش‌شناسی تجربی اقتصاد رفتاری قرار می‌دهد، درحالی‌که انسان‌شناسی برگرفته از قرآن نوعی انسان‌شناسی دینی است که مبتنی بر منبع وحی است و نه تجربه. از آن‌جاکه

وحی در قالب کلمات و عبارات نقل شده است، روش بررسی نویسنده نوعی روش قرائت متن است. باتوجه به رویکرد نظری خاص نویسنده، برداشت وی از آیات اقتصادی قرآن نیز بیانگر قرائت خاص اوست که در ادامه به تجزیه و تحلیل آن پرداخته می‌شود.

جدول ۱. نوع انسان‌شناسی و روش آن

روش	نوع
عقلی	فلسفی
نقلی	دینی
تجربی	تجربی
شهودی	شهودی

انسان‌شناسی و به تبع آن رفتارشناسی به چند دسته عمده انسان‌شناسی فلسفی، عقلی، دینی، تجربی، و شهودی تقسیم می‌شود، درحالی‌که انسان‌شناسی فلسفی با استفاده از روش عقلی صورت می‌گیرد، انسان‌شناسی دینی متکی بر روش نقلی (وحيانی) است، و انسان‌شناسی علمی و شهودی به ترتیب مبتنی بر روش‌های تجربی و شهودی هستند (خسروپناه و میرزایی ۱۳۸۹: ۴۰-۴۳). در انسان‌شناسی دینی، ابعاد و ویژگی‌های انسان از طریق مراجعه به متون مقدس دینی، کتاب و سنت، به دست می‌آید. در انسان‌شناسی دینی، به جای بهره‌گیری از روش‌های تجربی، عقلی، یا شهودی، برای شناخت انسان از روش نقلی استفاده می‌شود (خسروپناه ۱۳۸۲: ۲۲۳).

برای رفتارشناسی قرآن کریم، قاعدتاً، باید از روش نقلی استفاده کرد و نه تجربی، ولی این امر به مفهوم عدم امکان مقایسه بین یافته‌های رفتارشناسی نقلی و تجربی نیست. نویسنده کتاب رفتارشناسی اقتصادی قرآن کریم به تجربه وحيانی اشاره می‌کند که مفهومی مبهم است. اطلاق تجربه بر شناخت خداوند از رفتار انسان صحیح نیست. بیانات قرآن در رفتارشناسی اقتصادی نیز چیزی جز نقل شناخت وحيانی نیست. تنها روش ممکن در ترکیب انسان‌شناسی وحيانی و تجربی رویکرد تطبیقی است. همان‌گونه که در بخش پایانی مقاله خواهد آمد، بسیاری از یافته‌های تجربی اقتصاد رفتاری پیش از آن در آیات قرآن کریم منعکس شده‌اند.

## ۵. رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم؛ تحلیل محتوایی

کتاب رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم به عنوان قسمت دوم از طرح جامع «قرآن و اقتصاد» تدوین شده است. قسمت اول این طرح با عنوان فلسفه اقتصاد در پرتو

جهان‌بینی قرآن کریم منتشر شده است (هادوی‌نیا ۱۳۸۷). بخشی از دیدگاه‌های نویسنده نیز در کتاب *انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام* مطرح شده است (هادوی‌نیا ۱۳۸۲). نویسنده در کتاب *رویکرد شناختی در تحلیل اقتصاد اسلامی* بخشی دیگر از یافته‌های خود در رفتارشناسی اقتصادی را ارائه کرده است (هادوی‌نیا ۱۳۹۷).

رفتارشناسی اقتصادی را باید در زمره موضوعات هستی‌شناسی یا انسان‌شناسی فلسفه اقتصاد قلمداد کرد. این حوزه مطالعاتی عمدتاً به مقوله عقلانیت یا انتخاب عقلایی می‌پردازد. در این بررسی هم از مفهوم عقلانیت اقتصادی و هم از شرایط و محدودیت‌های آن سخن به میان می‌آید (توکلی ۱۳۹۸). در میان مباحث انتخاب عقلایی محدودیت‌های عقلانیت بیش‌تر مورد توجه محققان رفتارشناسی اقتصادی، به‌ویژه اقتصاد رفتاری، قرار گرفته است. در این مطالعه، از ترکیبی از مطالعات میدانی و آزمایشگاهی، با رویکرد نظریه‌بازی‌ها، استفاده می‌شود تا به شکل عملی چگونگی تصمیم‌گیری و انتخاب عاملان اقتصادی آزمون شود.

کتاب *رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن*، از این جهت که به یکی از موضوعات مرز دانش اقتصاد و فلسفه اقتصاد نزدیک شده، درخور تحسین است. نویسنده در آثار قبلی خویش نیز مباحث انسان اقتصادی و عقلانیت اقتصادی را محور بررسی‌های خود قرار داده است. این تلاش از این جهت نیز قابل ستایش است که به‌سراغ منبع وحی رفته است تا بر عمق مطالعات رفتارشناسی اقتصادی بیفزاید. با وجود این، این اثر دچار سه مشکل عمده شده که آن را از مسیر اصلی‌اش منحرف کرده است:

۱. نوسان بین تحلیل سیستمی و رفتارشناسی اقتصادی؛

۲. ایجاد تقابل نامشخص بین انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا؛

۳. رفتارشناسی اسیر در چهارچوب عقلانیت کامل.

پیش از ورود به تبیین این مشکلات به برخی ابعاد محتوایی اثر اشاره می‌شود. کتاب *رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم* می‌تواند به‌عنوان یکی از کتب کمکی در زمینه فلسفه اقتصاد و فلسفه اقتصاد اسلامی و در موضوع عقلانیت به‌کار رود. مباحث کتاب می‌تواند بخشی از سرفصل‌های مصوب درس «عقلانیت و اقتصاد اسلامی»، به‌عنوان یکی از دروس رشته فلسفه اقتصاد اسلامی، در مقطع دکتری را پوشش دهد. نوشته‌های این اثر می‌تواند بخشی از سرفصل‌های درس «مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد» در مقطع



بازخوانی نگرش قرآن به فرض انتخاب عقلایی ... (محمدجواد توکلی) ۹

کارشناسی اقتصاد و هم‌چنین بخشی از سرفصل‌های «فلسفه اقتصاد تطبیقی ۲» متعلق به خوشه فلسفه اقتصاد دوره کارشناسی اقتصاد را نیز پوشش دهد.

باتوجه به این‌که انتخاب عقلایی یکی از فروض محوری در دانش اقتصاد است، ورود نویسنده کتاب به این مباحث پاسخ‌گوی نیازهای علمی کشور به مباحث انتقادی در زمینه مبانی فلسفی نظریات اقتصادی، از جمله مبانی عقلانیت اقتصادی، است. از این‌رو، نگارش چنین کتاب‌هایی می‌تواند به تعمیق برداشت محققان اقتصادی کشور از مبانی فلسفی حاکم بر نظریاتشان بینجامد و به تولید نظریات بومی و اسلامی در حوزه مطالعات اقتصادی کمک کند.

البته کتاب، همان‌گونه که بیان خواهد شد، با مشکلاتی در زمینه انسجام درونی محتوا روبه‌روست. با این‌که نویسنده حوزه مطالعاتی خود را رفتارشناسی اقتصادی تعریف کرده، در بخش زیادی از کتاب درگیر مباحث مرتبط با نظام اقتصادی اسلام در حوزه‌های تولید، توزیع، و مصرف شده است. این درحالی است که موضوع کتاب مباحث درجه دوم اقتصاد (ارزیابی نظریه‌های اقتصادی) یا مباحث فلسفه اقتصاد است و نه مباحث درجه اول اقتصاد (بررسی رفتار اقتصادی). در کتاب، اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی واژه‌ها صحیح است و آنچه محل نقد است جهت‌گیری مباحث به سمت موضوعاتی غیر از رفتارشناسی اقتصادی است.

رعایت اصول اخلاق علمی در نگارش اثر درخور تقدیر است. نویسنده از منابع مختلف استفاده کرده و بدان‌ها ارجاع داده است. با وجود این، سوگیری به سمت رویکرد عقلانیت جامع و مطلوبیت‌گرایی باعث شده است که قرائتی خاص از رفتارشناسی اقتصادی در قرآن کریم ارائه شود. به نظر می‌رسد که می‌توان با حذف این سوگیری تصویری کامل‌تر از رویکرد قرآن در حوزه رفتارشناسی اقتصادی را ارائه داد. با بررسی آیات قرآن کریم می‌توان به این نتیجه رسید که یافته‌های محققان اقتصاد رفتاری در مورد محدودیت‌های بشر در انتخاب عقلایی بیش از ۱۴۰۰ سال قبل در قرآن مورد توجه قرار گرفته‌اند.

## ۱,۵ نوسان بین تحلیل سیستمی و رفتارشناسی

یکی از مشکلات کتاب رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن نوسان بین تحلیل سیستمی و رفتارشناسی اقتصادی است. نویسنده کتاب را با مباحث رفتارشناسی و ایجاد تقابل بین

رفتار انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا آغاز می‌کند، ولی در میانه راه به سمت مباحث نظام اقتصادی اسلام در سه حوزه تولید، توزیع، و مصرف می‌رود. وی، در بخش محوری سوم کتاب که به تحلیل برخی رفتارهای اقتصادی انسان فطرت‌گرا از دیدگاه قرآن کریم اختصاص یافته، عناوین زیر را برای مدخل مباحث خود برگزیده است:

۱. توزیع اولیه:

- توزیع قبل از تولید از جنبه تکوینی؛
- توزیع قبل از تولید از جنبه تشریحی.

۲. تولید:

- اصل تسخیر؛
- اصل استخدام؛
- گستره‌های تولید؛
- عوامل تولید؛
- هدف‌های تولید.

۳. مصرف:

- سطوح مصرف؛
- اصول رفتاری مصرف:
- اصل حلیت؛
- اصل اعتدال.
- برخی رفتارهای اقتصادی:
- زینت و تجمل؛
- زکات؛
- قرض‌الحسنه؛
- وقف.
- برخی رفتارهای اقتصادی خانواده.

مباحث فهرست‌شده عمدتاً به مباحث نظام اقتصادی ناظر به چگونگی سامان‌دادن ساختار تولید، توزیع، و مصرف مرتبط است، درحالی‌که رفتارشناسی بحثی توصیفی یا اثباتی برای تبیین چگونگی رفتار انسان اقتصادی است. نویسنده، پس از هر عنوانی، مبحثی نیز با عنوان تحلیل رفتاری اضافه کرده است که از مباحث رفتارشناسی اقتصادی فاصله دارد. به بیان دیگر، نویسنده بین مباحث مرتبط با نظام اقتصادی و رفتارشناسی اقتصادی ارتباطی برقرار نکرده است.

نویسنده اثر مباحث رفتارشناسی را به بحث از تأثیر عناصری از نظام اقتصادی در رفتار تقلیل داده است. وی بحث خود را بر این امر متمرکز می‌کند که مثلاً شرایط محیطی چه تأثیری در انگیزش دارند (هادوی‌نیا ۱۳۹۶: ۲۱۲). او پس از توضیحی در مورد مباحث عامه و احکام آن می‌نویسد: «اسلام با وضع چنین مقرراتی از گردش ثروت‌های طبیعی در میان ثروت‌مندان جلوگیری کرده، مدیریت توزیع این ثروت‌ها را به دولت صالح و عادل، که پاسدار مصالح فرد و جامعه شمرده می‌شود، سپرده است» (همان: ۲۱۲-۲۱۳). نویسنده، در ادامه، به بررسی قواعد فقهی حاکم بر استفاده از مباحث عامه می‌پردازد. نوسان بین مباحث رفتاری و ساختاری باعث شده است که هدف نویسنده از کتاب تحت تأثیر قرار گیرد.

نویسنده، در لابه‌لای مباحث، تلاش کرده است تا سازگاری احکام مرتبط با مباحث عامه مطابق با فطرت انسان را نشان دهد. وی می‌نویسد: «قرآن به نیازهای اولیه انسان فطری توجه کامل داشته است. به همین سبب، در توزیع منابع اولیه عدالت را به مثابه برابری لحاظ کرده و تمامی انسان‌ها را در منابع طبیعی شریک می‌داند» (همان: ۲۱۸). بدین شکل، مباحث کتاب گاهی شکل فلسفه احکام پیدا کرده و از مباحث رفتارشناسی اقتصادی فاصله گرفته است. گذشته از این که تفکیک انسان به فطری و غیرفطری محل تأمل است، جای این سؤال باقی است که آیا می‌توان انسان غیرفطری داشت؟ در نگرش قرآنی، همه انسان‌ها فطرت واحد و به آن گرایش دارند (روم: ۳۰).

در برخی از بخش‌های نوشته، از جمله مورد زیر، رفتن به سمت مباحث مرتبط با نظام اقتصادی و عدول از رفتارشناسی اقتصادی بسیار نمایان است:

اکنون با یک نگاه مقایسه‌ای بین نظام‌های اقتصادی می‌توان دریافت که چگونه نظام اقتصادی اسلام به نیازهای اولیه انسان فطری توجه دقیق‌تری داشته است... اسلام... با تکیه بر این مبنای نظری که مالکیت انسان در طول مالکیت خداوند است، ثروت‌های

عمومی و طبیعی را در اختیار امام عادل و دولت اسلامی قرار داده است تا از آن برای تحقق مصالح مسلمانان، از جمله عدالت اقتصادی، بهره گیرد و گردش ثروت در همه طبقات جامعه را تضمین نماید (هادوی نیا ۱۳۹۶: ۲۲۳-۲۲۴).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مباحث نقل شده به حوزه مطالعات نظام اقتصادی اسلام و تبیین فلسفه و کارکرد احکام اقتصادی تعلق دارد. هرچند نویسنده سعی کرده است این مباحث را به امور رفتاری و رفتارشناسی نسبت دهد، ولی این تلاش با موفقیت همراه نبوده است. وی تنها تحلیلی گذرا از اثر توزیع عادلانه امکانات بر رفتار اقتصادی افراد را ارائه می‌کند. در نهایت، نویسنده این ادعا را مطرح می‌کند:

از آن‌جا که انسان فطرت‌گرا دارای ابعادی غیرمادی، یعنی معنوی و اخروی، است ممکن است بعد معنوی یا اخروی وی به صورتی در نظر گرفته شود که با نیازهای مادی دیگران پیوند و پیوستگی داشته باشد؛ یعنی وی به برطرف کردن کمبودهای مادی مربوط به داشتن یک زندگی شرافتمندانه برای برخی که خود توان تصمیم و رفتار متناسب با آن را ندارند حساس شده و این امر جزء یکی از کمبودهای وی قرار می‌گیرد؛ البته یک کمبود معنوی (همان: ۲۲۴-۲۲۵).

تحلیل ارائه شده تلاشی برای پیوند بین چگونگی انتخاب اقتصادی با متغیرهای محیطی است. نویسنده تلاش می‌کند بیان کند که چگونه متغیرهای محیطی بر انگیزه افراد اثر می‌گذارند.

## ۲,۵ تقابل نامشخص انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا

یکی از محورهای اساسی کتاب ایجاد تقابل بین انسان مادی‌گرا و فطرت‌گراست. نویسنده در تمایز آن دو می‌نویسد:

فطرت همان آفرینش اولیه انسان است و انسان فطرت‌گرا کسی است که در تنظیم رفتارهایش به این آفرینش اولیه توجه دارد.... انسان فطرت‌گرا در مقابل انسان مادی‌گرا که فقط به بعد مادی خود توجه دارد، به دیگر ابعاد خودش توجه دارد؛ البته مقدار و کیفیت این توجه متفاوت است (هادوی نیا ۱۳۹۶: ۱۷).

در ادامه، نویسنده فطرت را به معنای «گرایش‌های انسانی» به مفهوم خصلت‌های فراحیوانی می‌گیرد (همان: ۲۵). این برداشت از انسان فطرت‌گرا نگاهی متعالی به انسان

دارد و خصلت‌های مادی او را کنار می‌گذارد. این درحالی است که نویسنده در ادامه رفتار انسان فطرت‌گرا را با رویکردی مطلوبیت‌گرایانه و لذت‌گرایانه تعریف می‌کند که با بعد مادی انسان منطبق است. از نظر او، «حب مال و ثروت فطری است. علاقه به مال درون انسان نهفته است و از جمله فطریات شمرده می‌شود» (همان: ۲۰۰). وی می‌نویسد:

از دیدگاه قرآن، فطرت انسان دو سویه است؛ یعنی هم استعداد‌های مثبت دارد و هم استعداد‌های منفی. انسان هم دارای قوا و استعداد‌های خیرخواهانه است و هم دارای قوا و استعداد‌های شرورانه؛ هم زمینه‌های فضیلت در انسان وجود دارد و هم زمینه‌های ردیلت. انسان هم می‌تواند استعداد‌های مثبت خود را به‌فعلیت برساند و هم استعداد‌های منفی خود را (همان: ۲۰۱).

تمایز بین انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا با ابهام روبه‌روست. از نظر نویسنده، «امور فطری اموری هستند که در خلقت اولیه انسان موجود است و آدمی با ورود به دنیا آن‌ها را هم‌راه خود دارد و به‌دیگرسخن، فطریات امور اکتسابی نیستند» (همان: ۱۹۹). اگر مادی‌گرایی را نیز یکی از خصلت‌های افراد بدانیم، که نویسنده کتاب چنین دیدگاهی دارد، انسان مادی‌گرا هم نوعی انسان فطرت‌گرا خواهد بود. البته نویسنده، با تفکیک بین روح و بدن، مادی‌بودن را به بدن نسبت می‌دهد و روح را غیرمادی می‌داند:

نکته دیگری که در رابطه با فطرت باید یادآور شد مربوط به ابعاد وجودی انسان است. ابعاد وجودی انسان برخاسته از دو عنصر اصلی وی، یعنی «بدن» و «روح»، می‌باشد. قرآن کریم در آیات بسیاری به عنصر اول، که ویژگی اصلی آن مادی‌بودن می‌باشد، اشاره کرده است. برخی آیات نیز به عنصر دوم، که مهم‌ترین ویژگی آن «غیرمادی‌بودن» یا «تجرد» می‌باشد، اشاره دارد (همان: ۲۰۲).

نویسنده انسان را دارای سه بعد «مادی، معنوی، و اخروی» می‌داند. به‌نظر او، رفتارهای انسان «که مربوط به تولید، توزیع، و مصرف می‌باشد بازتابی از ابعاد سه‌گانه مزبور است» (همان: ۲۰۳)؛ برای نمونه، او معتقد است: «تولیدکننده مادی‌گرا منفعت را در منافع مادی خلاصه کرده و به تولید هر چیزی که منفعت مادی داشته باشد می‌پردازد» (همان: ۱۹۴). اگر انسان فطرت‌گرا نیز این سه بعد را داشته باشد، مادی‌گرایی نیز یکی از ابعاد وجودی اوست. این درحالی است که نویسنده بین انسان مادی‌گرا و فطرت‌گرا تقابل ایجاد می‌کند.

### ۳,۵ رفتارشناسی در چهارچوب عقلانیت کامل

یکی از مشکلات اساسی در تحلیل‌های کتاب رفتارشناسی اقتصاد از دیدگاه قرآن کریم پذیرش ضمنی نظریه عقلانیت کامل و تطبیق آن بر آیات قرآن مجید است. تحلیل منتخب نویسنده در عمل تبیینی عقلی از انسان است که به صورت زیر ارائه شده است:

مهم‌ترین گرایش فطری "حب ذات" یا "حب نفس" می‌باشد. حب ذات گرایشی است که فرد را به دوری از هر امر مکروه و تمایل به هر امر مطلوبی فرامی‌خواند. از این گرایش گرایش‌های اصلی دیگری منشعب می‌گردد که "لذت‌جویی" و "سعادت‌طلبی" ... دو مورد از این گرایش‌ها می‌باشد. برداشت کلی حاصل از آیات قرآن کریم در این باره این است که چنین میلی در انسان وجود دارد. علاوه بر این، از دیدگاه قرآن کریم، ارضای این میل ناپسند نمی‌باشد. لذت خودبه‌خود مطلوب است. نه تنها انسان بلکه هر موجود با ادراکی در پی کسب لذت می‌باشد و علم حضوری و شهود انسان گواه راستین این حقیقت است. هیچ‌کس را به جرم این‌که خواهان لذت خویش است نمی‌توان نکوهید؛ چراکه این امر در فطرت آدمی نهاده شده و این گرایش جبری و بیرون از اختیار انسان است (هادوی‌نیا ۱۳۹۶: ۳۲).

به نظر می‌رسد که نویسنده، علاوه بر پذیرش خودگروی روان‌شناختی، خودگروی اخلاقی را نیز می‌پذیرد. گذشته از این، وی با پذیرش مطلق‌گرایی انسان به سمت پذیرش عقلانیت کامل رفته است؛ رویکردی که در آن افراد با بهره‌مندی از اطلاعات مورد نیاز در پی بیشینه‌سازی مطلوبیت و لذت خودند. این رویکرد مطلق‌گرایانه نیز تحلیلی عقلی است که نویسنده آن را به صورت زیر بیان می‌کند:

مطلق‌گرایی بازتابی از گرایش به کمال است که با توجه به توسعه گستره آگاهی انسان در دایره امور کلی پدید آمده است... انسان با برخورداری از امکان تصور مطلق می‌تواند به آن گرایش داشته باشد. بنابراین، مطلق‌گرایی که از آن می‌توان با عنوان "گرایش به بیش‌ترین کمال" یاد نمود و تحقق آن را بر رفتار "بیشینه‌سازی" متکی دانست از امور مشترک انسان‌هاست. اما آنچه سبب اختلاف شدید بین انسان‌ها می‌شود مصداقی است که ممکن است برای این امر مطلق توسط هر فرد در نظر گرفته شود (همان: ۳۲-۳۳).

این تبیین در تقابل با یافته‌های اقتصاد رفتاری است که به محدودیت‌های بشر در انتخاب عقلایی رسیده است؛ رویکردی که در انتهای مقاله تبیین کرده است و به بررسی تطبیقی آن با رفتارشناسی اقتصادی در قرآن کریم پرداخته می‌شود.

## ۶. بازخوانی اندیشه معاصر در رفتارشناسی اقتصادی؛ تحلیل انتقادی

برای ارزیابی واقع‌بینانه از یافته‌های رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم مقایسه آن با اندیشه معاصر در رفتارشناسی اقتصادی گویاست. در دهه‌های اخیر، مطالعات رفتارشناسی اقتصادی در قالب اقتصاد رفتاری و با تمرکز بر محدودیت‌های انتخاب عقلایی گسترش یافته است. در این مطالعات، به جای عقلانیت کامل، از عقلانیت محدود سخن به میان می‌آید. براساس نظریه عقلانیت محدود، افراد هنگام انتخاب با محدودیت‌های مختلف در زمینه کسب و پردازش اطلاعات، توجه به اطلاعات، تعارض امیال، و محدودیت‌های اخلاقی مواجه‌اند (Simon 1972; Sen 1987; Sen 1988; Thaler and Sunstein 2008; Bazerman and Sezer 2016).

جدول ۲. محدودیت‌های انتخاب عقلایی در نظریه عقلانیت محدود

نظریه پرداز	محدودیت‌های انتخاب عقلایی
سایمون	محدودیت در دسترسی به اطلاعات و پردازش آن
کاهنمن، تورسکی، بازرمن	محدودیت‌های ذهنی، محدودیت در توجه به اطلاعات
تالر، آریلی	محدودیت اراده و کنترل نفس در مقابله با تعارض لذت‌های آنی و منافع بلندمدت
سن، آریلی	محدودیت‌های اخلاقی، تعهدات اخلاقی

### الف. محدودیت در دسترسی و پردازش اطلاعات

از نظر سایمون، افراد در انتخاب‌ها با دو محدودیت دسترسی به اطلاعات و پردازش آن مواجه‌اند و تصمیم‌هایشان از شرایط محیط و رفتار دیگران اثر می‌پذیرد. محدودیت دسترسی به اطلاعات تحت‌تأثیر هزینه‌های کاوش اطلاعات و کمبود زمان قرار دارد. محدودیت پردازش اطلاعات نیز بر اثر محدودیت‌های شناختی انسان شامل نقصان در توانایی‌های فکری (مانند پردازش اطلاعات) و به‌کارگیری حافظه رخ می‌دهد (Todd and Gigerenzer 2003: 44). به نظر سایمون، پیش‌بینی لذت حاصل از گزینه‌ها در آینده بسیار دشوار است (سایمون ۱۳۷۱: ۱۰۲).

سایمون معتقد است افراد، به‌واسطه محدودیت‌های پیش‌رو، به‌جای این‌که دست به بیشینه‌سازی مطلوبیت یا سود بزنند، به‌دنبال تأمین سطح رضایت‌مندی از آن‌اند (Rubinstein 1998: 12). آنان به‌دنبال دستیابی به یک «سطح رضایت‌بخش» از اهداف‌اند (Simon 1972: 164). حافظه توانایی پشتیبانی از عملی‌شدن هم‌زمان تمام اهداف را ندارد و

در نهایت، به جای این که به دنبال بهینه‌یابی باشد، به دنبال ارضای قابل قبول نیازهاست (Jones 2002: 273).

### ب. محدودیت‌های ذهنی در انتخاب

محدودیت‌های ذهنی انسان در توجه به اطلاعات و پردازش آن نیز مورد توجه اقتصاد رفتاری قرار گرفته است. در این زمینه، کاهنمن و تورسکی به بررسی سوگیری‌های ذهن در انتخاب پرداخته‌اند (Kahneman 2010). ماکس بازرمن به مشکل تسلط ناکافی افراد بر اطلاعات، حتی در صورت وجود اطلاعات کامل، اشاره می‌کند (Bazerman and Sezer 2016). از نظر کاهنمن، ذهن انسان، از نظر کارکردهای شناختی دو سیستم پاسخ‌گویی سریع و کند دارد. کارکرد سیستم اول پاسخ‌گویی سریع و ظاهراً بدون تأمل درقبال موقعیت‌های پیش‌روست. در مقابل، سیستم دوم به سنجش و ارزیابی، نقادی و تفکر عمیق، و استنتاج منطقی و عقلایی اقدام می‌کند. کارکرد سیستم دوم کند، پرزحمت، و انرژی‌بر است. سیستم اول در بسیاری از موارد صورت مسائل را تغییر و حتی راه‌حل‌های اشتباهی به دست می‌دهد. افراد برای حل مسائل پیچیده به شکلی ناخودآگاه از راه‌های میان‌بر یا روش‌های اکتشافی استفاده می‌کنند (Kahneman and Tversky 1974).

تصمیم‌گیری افراد با برخی سوگیری‌ها روبه‌روست. یکی از این سوگیری‌ها چگونگی چهارچوب‌بندی گزینه‌های پیش‌روست. اگر افراد از میان دو گزینه با پی‌آمد ریاضی یک‌سان یکی را به منزله شکست و دیگری را به منزله موفقیت بدانند، از اولی پرهیز و دومی را انتخاب می‌کنند. عدم تقارن در واکنش به سود و زیان نیز انتخاب‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به طور معمول، ضررها دو برابر بیش‌تر از فواید هم‌مقیاس خود مورد تفرند. هم‌چنین، افراد به احتمالات کوچک بسیار اهمیت می‌دهند. آنان به بلیت‌های بخت‌آزمایی بسیار نامتقارن با شانس بسیار کم برای برد علاقه‌مندند. هم‌چنین، به خرید بیمه برای مقابله با احتمال زیان‌های سنگین تمایل دارند (Colin et al. 2004: 20).

افراد، به علت داشتن محدودیت‌های شناختی و مشکل دسترسی به اطلاعات، اطلاعات ناسازگار با احساسات و باورهایشان را نادیده می‌گیرند، اطلاعات سازگار با آن‌ها را تقویت می‌کنند، و آن‌ها را می‌پذیرند. ترس هیجانی افراد از شکست مانع از تفکر منطقی در برابر رقبا می‌شود. افراد به شدت تأثیر و کینه‌جویی رقبایشان را برآورد می‌کنند. این سوگیری به سهم خود پیوندهای آن‌ها را با کسانی که باورهای مشابه دارند تقویت می‌کند (رهبر و امیری ۱۳۹۳: ۱۶۸-۱۶۹).



### ج. محدودیت اراده و خودکنترلی

ریچارد تالر، از بنیان‌گذاران اقتصاد رفتاری، معتقد است مردم عادی از مردم اقتصادی فاصله دارند. وی، در کنار اشاره به برخی از مشکلات افراد در انتخاب‌هایشان، تمرکز خود را بر محدودیت اراده و ضعف خودکنترلی می‌گذارد. افراد، با این‌که گاهی از بهترین گزینه‌ها آگاه‌اند، کنترلی بر خود ندارند. این مشکل در موارد مختلف، از جمله تصمیم‌گیری برای پس‌انداز کردن، رخ می‌دهد (Thaler and Shefrin 1981).

تالر، برخلاف نئوکلاسیک‌ها که معتقدند باید افراد را آزاد بگذاریم و خودشان تصمیم درست می‌گیرند، از لزوم کمک به افراد برای اتخاذ تصمیم صحیح پشتیبانی می‌کند. از نظر او، تذکر (تلنگر) به افراد می‌تواند باعث اصلاح رفتار آن‌ها شود. وی معتقد است که باید گزینه‌ها را به گونه‌ای دست‌کاری کنیم که افراد تصمیم صحیح بگیرند (Thaler and Sunstein 2008; Thaler 2015).

### د. محدودیت‌ها و قابلیت‌های اخلاقی

دانیل آریلی از اقتصاددانان رفتاری است که در آثارش به بررسی انتخاب‌های نابخردانه افراد پرداخته و به شکل خاص، تأثیر محدودیت‌ها و قابلیت‌های اخلاقی را در کنترل انتخاب‌ها بررسی کرده است. براساس نتایج مطالعات تجربی او، اخلاق می‌تواند در برخی موارد رفتار را محدود و کنترل کند. در برخی موارد نیز دامنه اثرگذاری آن کاهش می‌یابد. وی، به صورت خاص، به بررسی نیمه تاریک کار گروهی پرداخته است. وی دریافت که چنانچه افراد در کارشان به حال خود رها شوند و فرصتی پیدا کنند، تاجایی که برای خودشان قابل توجه باشد و احساس گناه نکنند، مقداری تقلب را چاشنی کارشان می‌کنند، اما اقدام ساده‌ای مانند این‌که از افراد بخواهیم لحظه‌ای به اصول اخلاقی‌شان بیندیشند می‌تواند، به شکل مؤثری از امکان تقلب کردن پیش‌گیری کند (Ariely 2009).

## ۷. راه‌بردهای مقابله با محدودیت‌های انتخاب عقلایی

هرچند نظریه پردازان عقلانیت محدود عمدتاً رویکردی توصیفی به محدودیت‌های انتخاب عقلایی دارند، برخی از ایشان به دنبال ارائه راه‌کارهایی هم‌چون تلنگر (تالر)، اخلاق (آریلی)، و تعهدسازی (شلینگ) برای مواجهه با آن نیز هستند.

**الف. تلنگر:** از نظر تالر و سانشتین، مرتب‌کردن گزینه‌ها توسط افراد نوعی معماری انتخاب است. از این رو، می‌توان با استفاده از تلنگرهایی به انتخاب عقلایی افراد کمک کرد. در نگرش ایشان، چنین مداخله‌ای آزادی انتخاب‌گر را محدود نمی‌کند، بلکه باعث می‌شود گزینش انتخاب‌گر را به قضاوت خودش بهبود دهیم. آنان این رویکرد را قیّم‌مآبی آزادی‌خواهانه می‌نامند (Thaler and Sunstein 2008: 3-6).

**ب. ظرفیت اخلاق:** محققانی هم‌چون آمارتیا سن و دانیل آریلی، به‌صورت ضمنی، از ظرفیت اخلاق برای انتخاب سخن گفته‌اند. همان‌گونه که بیان شد، آریلی به مطالعاتی اشاره می‌کند که حاکی از اثر یادآوری‌های اخلاقی بر کنترل انتخاب دارد. برای نمونه، نتایج برخی مطالعات نشان می‌دهد که یادآوری ده دستور تورات باعث کاهش تقلب می‌شود (Ariely 2009; Ariely 2008: 16). البته، این تحلیل به تعریف عقلانیت و قبول سازگاری آن با اخلاق وابسته است. سن از محققانی است که انتخاب اخلاقی را با انتخاب عقلایی سازگار می‌داند (سن ۱۳۷۷: ۱۷).

**ج. ابزارهای تعهدساز:** توماس شلینگ (Schelling 1960) و جان الستر (Elster 2000) معتقدند افراد فضای تصمیم را برای غلبه بر ضعف اراده به‌گونه‌ای طراحی می‌کنند که بتوانند انتخابی عاقلانه داشته باشند. شلینگ از این راه‌برد به‌عنوان ابزارهای تعهدساز (commitment devices) یاد می‌کند. برای نمونه، فرمان‌ده پل‌های پشت سر سربازان را خراب می‌کند تا آنان به فکر عقب‌نشینی نیفتند. یا فرد بسته سیگار را دور از دست‌رس خود قرار می‌دهد تا بتواند راحت‌تر آن را ترک کند (Schelling 1960: 21-51). جان الستر از این رویکرد با عنوان پیش‌تعهد (precommitment) یاد می‌کند؛ روشی که در آن فرد سعی می‌کند خود را به انجام کاری متعهد سازد (Elster 2000: 1-7).

## ۸. رفتارشناسی اقتصادی در قرآن کریم در چهارچوب رویکرد عقلانیت

### محدود

برخی محققان اقتصاد اسلامی، با گرایش به‌سمت رویکرد عقلانیت کامل و مطلوبیت‌گرایی، انتخاب عقلایی را معادل «بیشینه‌کردن سرجمع لذت‌های دنیایی و آخرتی» یا «بیشینه‌سازی لذت مادی و معنوی در دنیا و آخرت» دانسته‌اند (میرمعزی ۱۳۸۴: ۶۷؛ هادوی‌نیا ۱۳۸۷: ۲۸۲). گروهی نیز، با عدول از مطلوبیت‌گرایی، عقلانیت را به مفاهیمی

چون بیشینه‌سازی حسنات (Kahf 2014: 145)، موازنه بین منافع دنیوی و اخروی (Khan 1984: 7)، و بیشینه‌کردن رضایت الهی (صدر ۱۳۷۴: ۱۹۳-۱۹۴) آمده است.

یکی از مشکلات عمده رفتارشناسی اقتصادی در رویکرد اسلامی بی‌توجهی به مشکلات شناختی، انگیزشی، و ارادی انسان است. در این رویکرد، انسان اقتصادی مسلمان به‌واسطه برخورداری از برخی شناخت‌ها و تربیت‌های دینی به‌دنبال نوعی بیشینه‌سازی مطلوبیت مقید به احکام و ارزش‌های اسلامی است. این نوع رویکرد را می‌توان رویکردی ایدئال درقبال انسان اقتصادی و نه رویکردی درقبال انسان موجود قلمداد کرد.

نویسنده کتاب رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم، در یکی از مقالاتش، عقلانیت محدود در اقتصاد شناختی را درمقابل عقلانیت فراگیر در اقتصاد اسلامی با رویکرد شناختی قرار می‌دهد. از نظر او، تفاوت این دو رویکرد عبارت است از: الف. در عقلانیت فراگیر با تکیه بر مبانی معرفت‌شناختی اسلامی به کارکردهای دیگری از عقل اشاره شده است که در عقلانیت محدود به آن‌ها پرداخته نشده است، ب. در عقلانیت فراگیر، باتوجه به مبانی انسان‌شناختی، منفعت شخصی توسعه می‌یابد، به‌گونه‌ای که بسیاری از رفتارهایی که در عقلانیت محدود نمی‌توان توجیه کرد، در عقلانیت فراگیر توجیه‌پذیر است (دادگر و هادوی‌نیا ۱۳۹۱).

تنها برخی محققان اقتصاد اسلامی، به‌شکلی ضمنی، به برخی از محدودیت‌های انتخاب عقلایی اشاره کرده‌اند؛ بدون آن‌که نگرشی نظام‌مند را درمورد رویکرد اسلام درقبال انتخاب عقلایی ارائه دهند (مرطان ۱۹۸۶ م: ۱۰۸؛ حسینی ۱۳۷۹: ۱۲۲-۱۲۵).

## ۹. محدودیت‌های سه‌گانه عقلانیت در نگرش قرآنی

در رفتارشناسی قرآن مجید، به محدودیت‌های عقلانیت بشر در سه بعد محدودیت‌های شناختی، انگیزشی، و ارادی توجه شده است. این محدودیت‌ها را می‌توان مرتبط با ابعاد سه‌گانه نفس یعنی، علم، محبت، و قدرت دانست (مصباح یزدی ۱۳۹۱: ج ۲، ۳۳-۳۴).

### الف. محدودیت‌های شناختی انتخاب

در آیات زیادی از قرآن، به محدودیت‌های شناختی و خطاهای محاسباتی بشر در انتخاب اشاره شده است. از جمله این خطاهای محاسباتی محاسبه نادرست درمورد منافع دنیوی و نادیده‌گرفتن منافع اخروی است. برای نمونه، خداوند متعال افراد را به‌واسطه

روگردانی از پیامبر به خاطر مشاهده جذابیت‌های تجاری سرزنش و بیان می‌کند که آنچه نزد خداست بسیار برتر از منافع تجاری است (جمعه: ۱۱).

تعبیر قرآنی حاکی از نوعی خطای محاسباتی بشر است که منافع اخروی را کم‌ارزش تلقی می‌کند و در مقابل منافع مادی دنیوی را بسیار ارزشمند می‌یابد. این خطای محاسباتی در برخی ابعاد روانی انسان ریشه دارد، چراکه طبیعت انسان این‌گونه سرشته شده است که به سمت منافع دنیوی گرایش شدیدی دارد و همین امر موجب غفلت او از منافع اخروی می‌شود (آل عمران: ۱۴). بر اثر این مشکل محاسباتی، بشر آنچه به نفع اوست مضر و آنچه به ضرر اوست نافع می‌پندارد (بقره: ۲۱۶). از این رو، در آیات زیادی از قرآن مجید برتری منافع اخروی از منافع دنیوی گوش‌زد شده است (آل عمران: ۱۸۵؛ نساء: ۷۷؛ انعام: ۳۰، ۳۲، ۷۰؛ اعراف: ۵۱).

#### ب. محدودیت‌های انگیزشی

در رویکرد قرآنی، تمایلات و غرایز کور انسان می‌توانند وی را از رفتار عقلایی دور کنند. این مشکل زمانی رخ می‌دهد که انسان، بدون تبعیت از رهنمودهای عقل، به دنبال ارضای غرایز، شهوات خود، یا خواسته‌های نفس اماره می‌رود. نفس اماره یکی از ابعاد نفس انسان است که وی را به سمت کارهای زشت و پست فرامی‌خواند (یوسف: ۵۳؛ ق: ۱۶). تبعیت از نفس اماره باعث می‌شود انسان، همانند حیوانات، تابع شهوات شود (محمد: ۱۲). قرآن درباره اینان با تعبیر توبیخ‌آمیز می‌گوید: «بگذارشان بخورند و کام جویند و آرزوها [ی بلند] مشغولشان دارد که به‌زودی [بدی کار خویش را] می‌فهمند» (حجر: ۳).

تبعیت از شهوات و هواپرستی باعث حرص و زیاده‌طلبی انسان و در نتیجه بخل‌ورزی و امتناع از کمک به فقرا می‌شود که در منطق اسلامی رفتاری غیرعقلایی است (معارج: ۱۹-۲۱؛ اسراء: ۱۰۰؛ تغابن: ۱۶). تمایل انسان به بقا می‌تواند انسان را درگیر آرزوهای دراز و علاقه شدید به داشتن عمر طولانی در دنیای مادی کند (بقره: ۹۶).

یکی از دلایل بروز این مشکل انگیزشی آن است که انسان بنابه طبیعتش موجودی عجول است که برای دستیابی به دستاوردهای زود هنگام دنیا آخرت را از یاد می‌برد (اسراء: ۱۱؛ قیامه: ۲۰-۲۱). شدت علاقه انسان به مال نیز زمینه‌ساز بروز این مشکل است

(فجر: ۲۰؛ عادیات: ۸). علاقه داشتن به امور مادی، از جمله اموال و دارایی های دنیوی، برای انسان جلوه داده شده است تا در پرتو آن آزمایش و تربیت شود. خداوند متعال، برای تصحیح نگرش افراد، این نکته را گوش زد می کند که امور مادی توشه زندگی دنیا هستند، درحالی که عاقبت به خیری نزد خداوند است (آل عمران: ۱۴). به همین علت، خداوند متعال می فرماید اگر می خواهید به مقام نیکوکاران دست یابید، باید از آن چه دوست دارید در راه خدا انفاق کنید (آل عمران: ۹۲).

### ج. محدودیت های ارادی

در برخی از آیات قرآن کریم به ضعف اراده بشر توجه شده است (توبه: ۳۸، ۴۲، ۴۶؛ نساء: ۱۴۲؛ آل عمران: ۱۵۲؛ بقره: ۲۴۹). یکی از این موارد ضعف اراده بنی اسرائیل در مقابل خواهش های نفسانی است که با انواع بهانه گیری و عدول از خداپرستی ظهور یافته است (اعراف: ۱۴۸). در آیات قرآن به این نکته هم اشاره شده است که افراد، با این که به موضوعی علم دارند، از عمل براساس آن سر باز می زنند (بقره: ۴۲، ۴۴؛ نمل: ۱۴) که این امر می تواند ناشی از ضعف اراده باشد. ضعف اراده بر اثر تبعیت از هوای نفس حتی باعث گمراهی افرادی می شود که از مراتب علمی بالایی برخوردارند (اعراف: ۱۷۵-۱۷۶).

## ۱۰. رویکرد قرآنی در مواجهه با محدودیت های عقلانیت

در رویکرد قرآنی، غلبه تمایلات انسان به سمت شهوات ناسنجیده از محدودیت های قوای تمایلی انسان است که وی را از عقلانیت دور می کند. اسلام، برای مهار این محدودیت گرایشی، سعی در تقویت ابعاد شناختی بشر و همچنین ایجاد قوه مدیریتی موسوم به تقوا دارد.

جدول ۳. رویکرد قرآنی در مواجهه با محدودیت های عقلانیت

محدودیت های عقلانیت	راه حل
محدودیت شناختی	تقویت ابعاد شناختی بشر با گسترش افراد به قلمرو زندگی، توجه دادن به زندگی پس از مرگ، تغییر حسابداری ذهنی، تذکر و تلنگر اجتماعی
محدودیت گرایشی هیجانی	تقویت قدرت خودکنترلی: تذکر و تلنگر اجتماعی، ظرفیت دین و اخلاق
محدودیت ارادی	تقویت قدرت خودکنترلی: تعهدسازی درونی

### الف. تذکر و تلنگر اجتماعی

در رویکرد قرآنی، به ظرفیت تذکر و تلنگر اجتماعی برای مواجهه با عقلانیت محدود توجه شده است. نهاد امر به معروف و نهی از منکر نوعی تلنگر اجتماعی است که می‌تواند به بهبود انتخاب افراد کمک کند. به همین علت، در آیات مختلف قرآن مجید بر اهمیت ذکر و یادآوری تأکید شده است (طور: ۲۹). امر به معروف و نهی از منکر اقتصادی کارکردی تصحیحی دارد و می‌تواند مانع از انتخاب‌های غیرعقلایی در تضييع و اسراف منابع شود. مشورت گرفتن از دیگران نیز کارکردی مشابه دارد که می‌تواند با تقویت ابعاد شناختی افراد از مشکلات عقلانیت محدود بکاهد (اکبری ۱۳۸۶: ۷۱).

در فضای فرهنگ دینی هم، توصیه‌هایی در جهت معماری انتخاب به مثابه نوعی تلنگر مطرح شده است. برای نمونه، توصیه به دورنگه‌داشتن دیده از صحنه‌های شهوانی و پرهیز از تنه‌بودن با نامحرم توصیه‌ای برای معماری انتخاب است که مانع از غلبه ضعف اراده می‌شود.

### ب. تقویت ابعاد شناختی بشر

در آیات زیادی از قرآن مجید، سعی شده است با یادآوری معاد و زندگی پس از مرگ جهان‌بینی افراد اصلاح شود و زمینه انتخاب‌های عقلایی فراهم آید. خداوند متعال کسانی را مذمت می‌کند که به زندگی دنیا رضایت دادند و از زندگی اخروی و لقای خداوند غافل شدند (یونس: ۷-۸). افراد به انفاق از آنچه به آن‌ها روزی داده شده است فراخوانده شده‌اند، با این بیان که اقدامات خیر تنها پیش از مرگ امکان‌پذیر است (منافقون: ۱۰). در ماجرای معروف ایثار اهل بیت (ع) در بخشیدن افطاری خود به یتیم، مسکین، و اسیر ایشان به خوف خود از روز سخت قیامت اشاره می‌کنند (انسان: ۱۰). خداوند می‌فرماید ما به واسطه صبرشان آن‌ها را از شر این روز نجات می‌دهیم (انسان: ۱۱-۱۲).

توجه دادن به مالکیت حقیقی خداوند بر اموال نیز از جمله ره‌یافت‌های اسلامی برای تقویت ابعاد شناختی بشر برای انتخاب عقلایی است. یکی از موانع انتخاب عقلایی در حوزه انفاق در راه خداوند این است که انسان خود را مالک و صاحب‌اختیار کامل اموالش می‌داند. خداوند متعال این انگاره را رد می‌کند و بر مالکیت حقیقی خداوند بر اموال و نقش انسان به عنوان جانشین خداوند در اداره اموال تصریح می‌کند (حدید: ۷).

### ج. تغییر حساب‌داری ذهنی

در آیات مختلف قرآن تلاش شده است حساب‌داری ذهنی افراد در جهت توجه به منافع معنوی و اخروی اصلاح شود. برای نمونه، در آیه ۲۶۵ سوره بقره، ثمره انفاق در راه خداوند همانند زمینی دانسته شده است که از قطره‌های درشت باران سیراب و محصولش دوبرابر می‌شود. در آیه ۲۹ سوره فاطر، انفاق در راه خداوند تجارتی پرسود معرفی شده است که هیچ‌گاه دچار کساد نمی‌شود. در آیه ۱۱ سوره حدید از انفاق در راه خدا به‌عنوان وام‌دادن به خداوند متعال یاد شده است، که پاداشی مضاعف دارد. در آیه ۱۷ سوره تغابن نیز، اصلاح حساب‌داری ذهنی مشارکت‌کنندگان در کارهای خیر هدف‌گذاری شده است. آیه ۲۶۴ سوره بقره، برای فرهنگ‌سازی عقلانیت الهی و نه عقلانیت ریایی، انفاق مال از روی ریا را به قطعه‌سنگی تشبیه می‌کند که بر آن قشر نازکی از خاک همراه با بذر گیاه باشد. هنگامی که باران می‌آید خاک روی سنگ و بذرها روی آن را می‌شوید. در نتیجه، هیچ محصول و ثمری حاصل نمی‌شود. در آیه ۴۶ سوره کهف نیز تلاش شده است که حساب‌داری ذهنی افراد با مقایسه بین اموال دنیا و انفاق تغییر کند. در این آیه، از آن‌چه انفاق می‌شود با عنوان چیزی که باقی می‌ماند (باقیات صالحات) یاد شده است. همچنین، خداوند متعال پرداخت زکات را مایه‌تطهیر و تزکیه زکات‌دهندگان اعلام می‌کند؛ امری که با محاسبات مادی متعارف سازگار نیست (توبه: ۱۰۳).

در تعبیر قرآنی، از تشبیه‌هایی برای تصحیح خطای محاسباتی بشر استفاده شده است. برای نمونه، انفاق در راه خداوند به کاشتن بذری تشبیه شده است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه یک‌صد دانه باشد. این به‌معنای رشد هفت‌صددرصدی است که از دید بشر پنهان است (بقره: ۲۶۱). همچنین، انفاق در راه خداوند به باغی تشبیه شده است که باران درشت بر آن بیارد و محصولات آن دوبرابر شود (بقره: ۲۶۵).

### د. تعهدسازی درونی

در رویکرد اسلامی، به ابزارهای تعهدساز برای غلبه بر مشکلات انتخاب عقلایی، به‌خصوص در زمینه ضعف اراده، توجه شده است. توصیه به تقوا در دین اسلام با هدف تقویت تعهد درونی افراد برای انتخاب درست است. تقوا دریچه‌های آگاهی و دانایی را بر افراد می‌گشاید (بقره: ۲۸۲) و باعث می‌شود که افراد دچار خطای محاسباتی نشوند (انفاق: ۲۹). خداوند متعال ایمان و تقوا را موجب نزول برکات آسمان و زمین می‌داند (اعراف: ۹۶).

در رویکرد اسلامی، استفاده از ابزارهای تعهدسازی هم‌چون نذر و قسم برای مقابله با محدودیت‌های انتخاب و ازجمله ضعف اراده مطرح شده است. چنین ابزارهایی کارکردی محدودکننده در انتخاب‌ها دارند و با هزینه‌دارکردن گزینه‌های نامطلوب، افراد را به سمت انتخاب عقلایی رهنمون می‌سازند. در برخی از آیات قرآن، توکل بر خداوند ابزاری برای تقویت اراده قلمداد شده است. خداوند متعال پیامبرش را به مشورت فرمان می‌دهد و می‌فرماید هنگامی که عزم به انجام کاری گرفتی، بر خداوند توکل کن و آن را اجرا کن (آل عمران: ۱۹۵).

## ۱۱. نتیجه‌گیری

کتاب رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم از جهت ورود به حوزه مطالعات فلسفه اقتصاد در تحلیل انتخاب عقلایی و هم‌چنین تلاش برای پیوندزدن میان مباحث انسان‌شناسی دینی و تجربی درخور تحسین و تقدیر است. نویسنده اثر تلاش کرده است تا، با طرح سؤال‌های معاصر درمورد رفتار اقتصادی به قرآن کریم، به غنای ادبیات موجود در زمینه انسان‌شناسی اقتصادی بیفزاید.

نویسنده کتاب، باوجود تمرکز بر موضوع خاص رفتارشناسی اقتصادی، در بخش‌های زیادی به ورطه تحلیل سیستم و نظام اقتصادی افتاده است؛ رویکردی که باعث شده است مباحث انسان‌شناسی کتاب کم‌رنگ شوند. پرسشی که نویسنده باید بدان پاسخ می‌داد این بود که چه نسبتی بین مطالعات انسان‌شناسی تجربی و دینی وجود دارد. این سؤال از آن جهت است که هر یک از این دو نوع انسان‌شناسی از روش خاص خود بهره می‌جویند؛ انسان‌شناسی دینی از روش نقلی (قرائت منابع وحیانی) بهره می‌گیرد و انسان‌شناسی تجربی تمرکز خود را بر استفاده از روش تجربی می‌گذارد. هرچند نویسنده سعی کرده است از یافته‌های وحیانی نیز با عنوان تجربه وحیانی یاد کند و به گونه‌ای به این پرسش پاسخ دهد، ولی اضافه‌کردن واژه تجربه به وحی نه‌تنها پرسش را برطرف نمی‌کند، بلکه خود موجب بروز نوعی تضاد روشی می‌شود. مطالعات معاصر در رفتارشناسی اقتصادی به گونه‌ای رویکردهای عقلی و دینی را به‌حاشیه رانده‌اند و تلاش دارند که رفتار انسان را به‌شکلی عینی و با استفاده از فضاهای آزمایشگاهی براساس نظریه بازی‌ها تجزیه و تحلیل و آزمون کنند.



مسلم است که با مراجعه به قرآن کریم و بازخوانی آیات آن، نمی‌توان به چنین هدفی دست یافت. البته، می‌توان از ره‌یافته‌های انسان‌شناسانه قرآن کریم هم برای بهبود یافته‌های انسان‌شناسی تجربی استفاده کرد و هم افق‌های جدیدی را پیش‌روی محققان اقتصاد رفتاری باز کرد، چراکه به اعتقاد ما، تبیین‌های قرآنی از انسان و رفتار اقتصادی از سوی خالق انسان صادر شده است که اشراف کامل بر مخلوق خویش و تمامی مشخصاتش دارد. مشخص است که تبیین‌های خالق انسان به مراتب واقع‌گرایانه‌تر از تبیین‌های محدود تجربی است. نکته مهم این است که بتوانیم بدون سوگیری و با نگاهی عمیق ابعاد مختلف رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم را کشف کنیم. در این مسیر، مطالعات رفتارشناسی اقتصادی تجربی نیز می‌تواند به ما در فهم بهتر آیات قرآن مجید کمک کند، چراکه دست‌یابی به لایه‌های پنهان معارف قرآنی به‌سادگی امکان‌پذیر نیست.

یکی از چالش‌های اساسی در کتاب رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم ایجاد تقابل نامشخص بین انسان مادی‌گرا و انسان فطرت‌گراست. ردپای این تقسیم‌بندی را نمی‌توان در آیات قرآن کریم یافت. اگر مادی‌گرایی را بخشی از فطرت انسان بدانیم، آن‌گونه‌که نویسنده کتاب بدان گرایش دارد، در عمل مادی‌گرایی نیز بخشی از فطرت‌گرایی بشر است. آنچه در آیات قرآن مشاهده می‌کنیم، تقابل بین انگیزه‌های مادی - معنوی و دنیوی - اخروی است. شاید اگر نویسنده کتاب از تقابل بین انسان مادی‌گرا و معنویت‌گرا سخن می‌گفت، تطابق بیش‌تری با سیاق آیات قرآن کریم می‌داشت.

نویسنده کتاب، به‌واسطه پذیرش ضمنی رویکرد عقلانیت کامل و مطلوبیت‌گرایی در این اثر و سایر آثارش، قرائتی خاص را از آیات قرآن کریم ارائه می‌دهد. همین سوگیری باعث شده است که نویسنده نتواند از دستاوردهای رفتارشناسی اقتصادی جدید در اقتصاد رفتاری بهره‌مند شود. درحالی پژوهش‌گران اقتصاد رفتاری بر محدودیت‌ها و نقایص بشر در انتخاب عقلایی تأکید می‌کنند که نویسنده کتاب به‌صورت پنهان به‌سمت ارائه همان رویکرد قدیمی عقلانیت کامل متمایل است.

با نگاهی به آیات قرآن مجید می‌توان دریافت که در رفتارشناسی اقتصادی قرآن کریم به محدودیت‌های شناختی، انگیزشی، و ارادی بشر توجه شده است. در آیات زیادی از قرآن به خطاهای محاسباتی بشر در انتخاب، از جمله خطای محاسباتی در کم‌ارزش قلمداد کردن منافع اخروی و ارزش‌گذاری بالای منافع دنیوی، اشاره شده است. این خطاهای محاسباتی

در برخی ابعاد روانی انسان، از جمله گرایش زیاد او به منافع دنیوی و عجز بودن، ریشه دارد. به همین علت، خداوند همواره برتری منافع اخروی بر منافع دنیوی را گوش‌زد می‌کند. تمایلات و گرایش کور انسان می‌تواند وی را از رفتار عقلایی دور کند. این مشکل زمانی رخ می‌دهد که انسان بدون تبعیت از رهنمودهای عقل به دنبال ارضای گرایش، شهوات خود، یا خواسته‌های نفس اماره می‌رود. تبعیت از شهوات و هواپرستی باعث حرص و زیاده‌طلبی انسان و در نتیجه بخل‌ورزی و امتناع از کمک به فقرا می‌شود که در منطق اسلامی رفتاری غیرعقلایی است. در این حالت، خواست‌های حیوانی بر گرایش‌های والای انسانی، الهی، و هم‌چنین منافع دنیوی بر منافع اخروی ترجیح داده می‌شود.

در مقام مقایسه، رویکرد قرآنی به محدودیت‌های عقلانیت و راه‌کارهای مقابله با آن از نظر شکلی با رویکردهای جدید در اقتصاد رفتاری هم‌گرایی دارد. با وجود این، هم‌نوع تحلیل از این محدودیت‌ها و هم‌رویکرد پذیرفته‌شده برای مقابله با آن مبتنی بر انسان‌شناسی اسلامی و استفاده از ظرفیت‌های دینی و اخلاقی است. در این چهارچوب، گسترش دیدگاه افراد در قبال ابعاد زندگی (دنیا و آخرت) و تقویت نیروی بازدارنده درونی (تقوا) رویکردی متمایز برای مقابله با محدودیت‌های عقلانیت است. در صورتی که مطالعات تجربی در زمینه عقلانیت محدود در رویکرد اسلامی شکل بگیرد و گسترش یابد، می‌توان با دقت بیشتری در مورد ظرفیت ابزارهای مقابله با عقلانیت محدود قضاوت کرد و از آن برای حل مشکلات رفتاری افراد بهره برد.

## کتاب‌نامه

- اکبری، رضا (۱۳۸۶)، «تصمیم‌گیری، عقلانیت، و اصل شورا»، *اندیشه مدیریت*، س ۱، ش ۱.
- توکلی، محمدجواد (۱۳۹۸)، *مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی، سیدرضا (۱۳۷۹)، *الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف‌کننده مسلمان*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خسروپناه، عبدالحسن (۱۳۸۲)، *گستره شریعت*، تهران: معارف.
- خسروپناه، عبدالحسین و رضا میرزایی (۱۳۸۹)، «چیستی انسان‌شناسی»، *انسان‌پژوهی دینی*، پیاپی ۲۴.
- رهبر، فرهاد و میثم امیری (۱۳۹۳)، «اقتصاد رفتاری و سیاست‌گذاری عمومی»، *برنامه و بودجه*، س ۱۹، ش ۴.

- سایمون، هربرت الکساندر (۱۳۷۱)، رفتار اداری؛ بررسی در فراگردهای تصمیم‌گیری در سازمان اداری، ترجمه محمدعلی طوسی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- سن، آمارتیا (۱۳۷۷)، اخلاق و اقتصاد، ترجمه حسن فشارکی، تهران: شیرازه.
- صدر، سیدکاظم (۱۳۷۴)، اقتصاد صدر اسلام، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مرطان، سعیدسعد (۱۹۸۶ م)، مدخل للفکر الاقتصادي فی الاسلام، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، اخلاق در قرآن، تدوین م. اسکندری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۴)، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۲)، انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۷)، فلسفه اقتصاد در پرتو جهان‌بینی قرآن کریم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۹۶)، رفتارشناسی اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم؛ انسان مادی‌گرا و انسان فطرت‌گرا، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۹۷)، رویکرد شناختی در تحلیل اقتصاد اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- Ariely, D. (2008), *Predictably Irrational: The Hidden Forces That Shape our Decisions*, Harper Collins Publication.
- Ariely, D. (2009), *The End of Rational Economics*, Harvard Business Review.
- Bazerman, M. and O. Sezer (2016), "Bounded Awareness: Implications for Ethical Decision Making", *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, vol. 136.
- Bourguine, P. (2004), "What is Cognitive Economics", in: *Cognitive Economics: An Interdisciplinary Approach*, P. Bourguine and J. Nadal (eds.), Berlin, Heidelberg: Springer.
- Bourguine, P. and J.-P. Nada (eds.) (2004), *Cognitive Economics, An Interdisciplinary Approach*, Springer.
- Colin, F. C., G. Loewenstein, and M. Rabin (2004), "Behavioral Economics: Past, Present, Future", in: *Advances in Behavioral Economics*, F. Colin, G. Loewenstein, and M. Rabin (eds.), Princeton University Press.
- Elster, J. (2000), *Ulysses Unbound: Studies in Rationality, Precommitment, and Constraints*, Cambridge University Press.
- Jones, R. (2002), "Bounded Rationality and Public Policy: Herbert A. Simon and the Decisional Foundation of Collective Choice", *Policy Sciences*, vol. 35, no. 3.

- Kahf, M. (2014), *Notes on Islamic Economics: Theories and Institutions*, USA: Create Space Independent Publishing Platform.
- Kahneman, D. (2010), *Thinking, Fast and Slow*, New York: Farrar, Straus and Giroux.
- Khan, M. (1984), "Macro Consumption Function in an Islamic Framework", *Journal of Research in Islamic Economics*, vol. 1, no. 2.
- Rubinstein, A. (1998), *Modeling Bounded Rationality*, Cambridge, Massachusett: The MIT Press.
- Schelling, T. (1960), *The Strategy of Conflict*, Harvard University Press.
- Sen, A. (1987), "Rational Behaviour", *The New Palgrave, A Dictionary of Economics*, J. Eatwell et al. (eds.), vol. 4, New York: The Macmillan.
- Sen, A. (1988), *On Ethics and Economics*, Blackwell.
- Simon, H. (1972), "Theories of Bounded Rationality", in: *Decision and Organization: A Volume in Honor of Jacob Marschak*, C. McGuire and R. Radner (eds.), Amsterdam and London: North-Holland Publishing Company.
- Thaler, R. (2015), *Misbehaving: The Making of Behavioral Economics*, New Haven and London: W.W. Norton & Company.
- Thaler, R. and C. Sunstein (2008), *Nudge: Improving Decisions About Health, Wealth and Happiness*, New Haven and London: Yale University Press.
- Thaler, R. and H. Shefrin (1981), "An Economic Theory of Self-Control", *Journal of Political Economy*, vol. 89, no. 2.
- Todd, P. and G. Gigerenzer (2003), "Bounded Rationality to the World", *Journal of Economic Psychology*, vol. 24.